

نظریه شخصی درباره خلقت مسیح در قرآن

چکیده

این مقاله بر پایه پژوهش الهیاتی - ژنتیکی محمدرضا طباطبایی شکل گرفته و مدلی نوین برای تبیین خلقت عیسی بن مریم ارائه می‌دهد؛ مدلی که بر ذات معجزه‌آسای تولد او و حفظ انسان بودن وی در منطق قرآنی تأکید دارد و در عین حال، با مبانی علمی ژن‌شناسی تطبیق می‌یابد.

۱. زمینه قرآنی و تاریخی

در قرآن، تولد عیسی یک رخداد منحصر به فرد است. آیات سوره مریم، آل عمران و زخرف به صراحت به تولد از «مریم بدون پدر» اشاره دارند، اما هیچ مکانیزم زیستی معرفی نمی‌کنند. قرآن هدف را الهی می‌داند، نه زیستی: «إن مثل عیسی عند الله کمثل آدم خلقه من تراب». با این حال، عیسی به عنوان «ابن مریم» معرفی می‌شود، نه «ابن الله»، و این نکته انسان بودن و نسل دار بودن او را تثبیت می‌کند.

از دیدگاه تاریخی، این روایت تضادی با عقل علمی ندارد؛ زیرا قرآن اساساً معجزه را خارج از نظام علت و معلول معمولی تعریف می‌کند. با این وجود، کوشش برای فهم سازوکار طبیعی احتمالی آن، در چارچوب نظریه حاضر قابل بررسی است.

۲. طرح نظریه ژنتیکی - الهیاتی

محمدرضا طباطبایی در گفت‌وگوهای خود، مدلی بدیع پیشنهاد می‌کند:

- در رحم مریم، دو سلول تخمک کامل (اووم) از خود او باهم ترکیب شدند؛ فرآیندی که در علوم زیستی «اوتوژنزی» یا تلقیح مادری مضاعف خوانده می‌شود.
- روح القدس، به فرمان خدا، یکی از کروموزوم‌های X را به Y تبدیل کرد تا جنین مذکر پدید آید.
- نتیجه، تولد انسانی طبیعی از نظر ساختار بدن و ژن‌ها است که از تبار مریم و اجدادش (عمران، ابراهیم، نوح، آدم) می‌باشد.

در این فرضیه، عبارت قرآنی «بنفخنا فيه من روحنا» به معنای فعال‌سازی ژن الهی خلاقه تفسیر می‌شود و نه اعطای الوهیت.

۳. مقایسه با دیدگاه‌های سنتی

دیدگاه	نقش مریم	هویت عیسی
قرائت رایج مسلمانان	رحم معجزه‌پذیر	معجزه صرف
الهیات مسیحی	مادر ثانویه	پسر خدا
نظریه طباطبایی	مادر کامل ژنتیکی	انسان از نسل بشر

این مدل می‌کوشد تناقض میان تبیین علمی و حقیقت قرآنی را از میان ببرد: تولد بدون پدر، ولی با حفظ تبار انسانی.

۴. ارزیابی علمی

از دیدگاه ژنتیک معاصر، تبدیل کروموزوم X به Y در سطح طبیعی ناممکن است و ترکیب دو اووم با مشکل نشان‌گذاری ژنتیکی (Imprinting) مواجه خواهد شد. با این حال، در حوزه الهیات معجزه، این موانع به حکم اراده الهی فراتر می‌روند. نظریه فوق نه در چارچوب تجربی، بلکه به‌عنوان مدل تفسیری – فلسفی قابل بررسی است.

۵. تلویحات الهیاتی و سیاسی

در منطق نظریه، علی بن ابی‌طالب با فهم آیه «وَإِنَّهُ لَعَلَّمَ لِّلسَّاعَةِ» می‌دانست که عیسی نشانه قیامت و محور خلافت نبوی است، نه انسان دیگر. بدین‌سان امتناع او از عنوان «خلیفه رسول الله» بر پایه آگاهی از اختصاص خلافت به انبیا و آینده ظهور مسیح تفسیر می‌شود. از این منظر، مفاهیم تاریخی مانند «مهدی بن محمد» یا «خلیفه رسول» تداوم نادرست این سوءبرداشت از خلافت انبیاء است.

۶. جایگاه مریم در قرآن

قرآن تنها نام زن را از میان صدها زن تاریخ، «مریم» برگزیده است؛ نشانه طهارت و انسان کامل. ذکر مکرر «ابن مریم» تأکید دارد که تولد عیسی از مریم نه نفی مادری، بلکه اثبات کرامت

انسانی است. آیه «و جعلناه و أمه آية للعالمین» نشان می‌دهد که معجزه مریم و عیسی یک واحد الهی است، نه دو پدیده جدا.

نتیجه‌گیری

نظریه طباطبایی درباره خلقت مسیح، کوششی برای پیوند میان ایمان و علم است: عیسی انسانی واقعی، از نسل مریم، ولی با فعل مستقیم خداست. این دیدگاه از یک سو الهیات تثلیثی را رد می‌کند و از دیگر سو، خوانش تقلیل‌گرای مسلمانان را اصلاح می‌نماید. مریم در این نگاه نه رحم اجاره‌ای، بلکه مادر کامل و معجزه‌ای مستقل است. در مجموع، مدل مزبور در حوزه فلسفه دین و تفسیر معجزه، چارچوبی تازه برای فهم نسبت میان امر طبیعی و امر الهی در روایت قرآنی می‌گشاید.